



(۴)

تاریخچه زندگی

آثار و افکار

استاد مطهری (ره)

حسین سوزنجی

بنابه عقیده مرحوم مطهری برخلاف این ادعا که دنیا دار  
تغییر است و هیچ چیز ثابتی در آن باقی  
نمی ماند، اگر چیزی با فطرت بشری هماهنگ باشد، تا  
وقتی انسانی هست، آن چیز هم  
هست. و دین هم به همین دلیل نابود شدنی نیست.

و استاد می پذیرند اما نه به صورت حاشیه بر سخنان آقای مهدوی، بلکه به صورت مقالاتی مستقل در باب موضوعاتی که او مطرح کرده بود. مقالات وی و مطهری همزمان و در نقد یکدیگر چاپ می شد که مقالات استاد مطهری به شدت مورد استقبال واقع شد. مهدوی پس از شش هفته سکتته کرد و مُرد. اما به اصرار خوانندگان، استاد مطهری بحث های خود را ادامه داد. در این مقالات، علاوه بر طرح مباحث کلی درباره «اسلام و تجدد» و «مبانی حقوق خانوادگی»، به موضوعاتی از قبیل خواستگاری، ازدواج موقت (متع)، استقلال اجتماعی زن، مهر و نفقه، ارث، طلاق و تعدد زوجات پرداخت و چنان که بعداً در مقدمه کتاب نظام حقوق زن در اسلام (۱۳۵۳) گفت، قصد داشت که یادداشت هایش درباره حق حکومت مرد در خانواده، حق حضانت کودک، عده و فلسفه آن، زن و اجتهاد و افتاء، زن و سیاست، زن در مقررات قضایی، زن در مقررات اجرایی، اخلاق و تربیت زن، پوشش زن، اخلاق جنسی (غیرت، عفاف، حیا و غیره)، مقام مادری، زن و کار خارج، و برخی مسایل دیگر را تنظیم کند و به عنوان جلد دوم این مجموعه بیاورد؛<sup>۱</sup> قصدی که متأسفانه هیچ گاه جامه عمل نپوشید و حتی یادداشت های ایشان بعد از شهادتشان منتشر نشد.

ماحصل بحث ایشان که در مقدمه کتاب هم آمده است و بعدها به بیانی دیگر در ضمن سخنرانی های «عنصر تبلیغ در نهضت حسینی»<sup>۲</sup> نیز مطرح شد، این است که در قدیم به «انسان» بودن زن توجه نمی کردند و فقط متوجه «زن» بودن او بودند و در دوره مدرن به خاطر توجه شدید به «انسان بودن» زن، «زن» بودن وی مغفول واقع شد.<sup>۳</sup> تعبیر ایشان در سخنرانی های فوق این است که زن در قدیم «شیء گران بها» بود و در دوران مدرن، «انسان بی بها» شد. حال آن که اسلام، وی را «انسان گران بها» می خواهد. با این بیان، وی در مباحثش کوشید، آن دسته از رفتار

اشاره: قسمت دیگری از اندیشه ها و کوشش های شهید مطهری (ره) که حیات پر بار آن استاد گرانمایه را در جهت معرفی چهره نورانی اسلام تصویر می کند، اینک در معرض دید شما است. سرآغاز این بخش به نحوه طرح اندیشه های آن عزیز شهید در باب نظام حقوق زن در اسلام مربوط می شود.

\*\*\*

از اواخر سال ۱۳۴۳ با توجه به انتقاداتی که بر نظر اسلام درباره مسایل مربوط به زنان می شد، استاد مطهری به مباحث مربوط به حقوق زن توجه خاصی می کند. اولین اقدام وی، پانزده جلسه سخنرانی در مسجد هدایت در رمضان سال ۱۳۸۴ قمری (بهمن ۱۳۴۳) درباره «حقوق و روابط زن و مرد» و نیز نه سخنرانی در جایی دیگر درباره «حقوق زن» است. سپس در سال های ۴۴ و ۴۵، هفت مقاله پیاپی در مجله درس هایی از مکتب اسلام در این باره نوشت که بعداً در سال ۱۳۴۸ تحت عنوان «اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب» منتشر شد.<sup>۴</sup> سپس در سال های ۴۵ و ۴۶ مجموعه مقالات (۳۲ مقاله) «نظام حقوق زن در اسلام» را در مجله زن روز نوشت که بعداً در سال ۱۳۵۳ آن را به طور مستقل چاپ کرد. در همان سال ها سلسله مباحث مسأله حجاب را به صورت فشرده تری در انجمن اسلامی پزشکان مطرح کرد و سپس اولین بار در سال ۱۳۴۷ آن را به صورت کتابی چاپ کرد که در چاپ های بعدی بخش های فراوانی به آن افزود.

قضیه این مقالات از آن جا شروع شد که در سال ۱۳۴۵ تب تعویض قوانین مدنی در مورد حقوق خانوادگی در سطح مجلات، خصوصاً مجلات زنانه، سخت بالا گرفت و خصوصاً اعتراضاتی بر نظرات قرآنی وارد شد. از جمله یک قاضی به نام ابراهیم مهدوی زنجان لایحه ای در چهل ماده به همین منظور تنظیم کرد و در مجله زن روز به چاپ رساند. یکی از مقامات روحانی تهران از مطهری می خواهد که به این نوشتار پاسخی بدهند

□ بنا به مقایسه ای که شهید مطهری به عمل می آورد، در

قدیم به «انسان» بودن زن توجه نمی کردند و فقط متوجه «زن» بودن او بودند

و در دوره مدرن به خاطر توجه شدید به «انسان» بودن زن، «زن» بودن وی

مغفول واقع شد. به تعبیر دیگر زن در قدیم «شیء گران بها» بود و در دوران

مدرن «انسان بی بها» شد؛ حال آن که اسلام وی را «انسان گران بها»

می خواهد

در سال ۱۳۴۵ به همراهی آقایان همایون، شاهچراغی و یک نفر دیگر در فکر تأسیس حسینیه ارشاد می افتند؛<sup>۷</sup> مؤسسه ای که در ظرف چهار سال چنان رشدی کرد که در سطح عمومی کشور اثرگذار شد و عموم طبقات از مراجع تقلید گرفته تا مقامات مملکتی روی آن حساب می کردند.<sup>۸</sup> از همان زمان استاد مطهری به همراه تنی چند از عالمان دینی از جمله محمد تقی جعفری، محمد تقی شریعتی، و... در محوطه روبازی در نزدیکی محلی که می خواسته اند حسینیه را بنا کنند، به نوبت جلسات سخنرانی تشکیل می دهند و کم کم قشر جوان به این جلسات جذب می شوند. (خصوصاً از حوالی سال ۱۳۴۷ به بعد که دکتر شریعتی نیز به دعوت مطهری برای نگارش مقاله «از هجرت تا وفات» در کتاب محمد خاتم پیامبران کم کم به حسینیه ارشاد راه پیدا کرده بود.) استاد مطهری قصد داشته است این حسینیه را به یکی از بزرگ ترین مراکز علمی تبدیل کند که هم حوزه و هم دانشگاه را دچار حیرت کند،<sup>۹</sup> اما در اثر نحوه تسلط یکی از مسؤولان حسینیه<sup>۱۰</sup>، که می خواسته است این مؤسسه را «به صورت یک محیط تشریفات ظاهری و با جنجال و هیاهو و شور و واویلا اداره کند و عملاً طرفدار اقناع کاذب احساسات بوده و با اینکه در آنجا با منطق سروکار داشته باشند، مخالف بوده و در راه آن کارشکنی می کرد.»<sup>۱۱</sup> اولین استعفانامه خود را تسلیم مؤسسه می کند که به اصرار آقای همایون آن را پس می گیرد؛ اما کارشکنی ها برای حضور ایشان ادامه می یابد؛ تا این که در نهایت پس از کشمکش های فراوان در سال ۱۳۵۰ استعفای قطعی خود را تسلیم مؤسسه می کند و با اندوه بسیار برای انحراف مؤسسه ای که وی سرمایه گذاری مادی و معنوی فراوانی برای رونق آن کرده بود، از حسینیه کنار می کشد.

اگر مباحث مربوط به احیای فکر دینی، که دیدیم مخصوصاً در نیمه اول دهه ۱۳۴۰ مهم ترین دغدغه استاد مطهری را شکل می دهد، معطوف و دغدغه دار مسأله سنت (نقد، فهم، و اخذ

گذشتگان را که به انسان بودن زن (که از این حیث کاملاً با مردان برابر است...) بی توجهی می کردند، نقد کند و نشان دهد که خود اسلام نیز به این جنبه زن توجه داشته است؛ اما آن دسته از مباحث متجددان را که زن بودن زن (که از این حیث با مردان متفاوت است...) را نادیده می گرفتند نیز نقد کرد و بدین سان، با مبنا قرار دادن عقل، سنت و تجدد را جمع کرد.<sup>۵</sup>

از دیگر مباحثی که بسیار از استاد مطهری در این ایام وقت گرفت، مباحث اقتصاد اسلامی بود. ظاهراً اولین انگیزه شان در طرح این بحث ها مواجهه و ارائه آلترناتیوی در برابر مارکسیست ها بود. بعدها به خاطر مسأله بانک (رباخواری) و بیمه، این بحث ها جنبه تخصصی تری پیدا کرد. اما جالب این جاست که حتی در حوزه علمیه هم این بحث ها را نه در ذیل عناوین سنتی کتبی همچون «مکاسب» شیخ انصاری، بلکه در ذیل عنوان اقتصاد مطرح می ساخت. شاید آغاز این ها همان دروس اقتصاد مدرسه مروی تهران در سال ۱۳۴۱ بود که قبلاً گفتیم. در سال ۱۳۴۴، ۱۸ جلسه سخنرانی در مسجد اتفاق تهران درباره اقتصاد اسلامی ایراد کرد (در سال بعد لااقل دو جلسه در دبیرستان علوی)؛ همین طور این جلسات ادامه پیدا کرد. خصوصاً در دهه پنجاه این سخنرانی ها بیش تر بر مسایل مربوط به بانک، ربا و بیمه تمرکز یافت. نکته مهمی که باز در این مباحث دیده می شود، اولاً حقی است که برای عقل قائل است و لذا بسیار از فلسفه احکام (مثلاً از فلسفه حرام بودن ربا) بحث می کند و حیل های شرعی را به خاطر این که با فلسفه حرام بودن ربا در تعارض می باشند-ولو این که چنان اند که از حیث ظاهر فقهی اشکالی ندارند-رد می کند. از جانب دیگر برخی مظاهر تجدد مثل بانک و ضرورت آن را می پذیرد و به جای این که همین که دید قوام بانک های موجود به رباخواری است، مطلقاً بانک و بانکداری را تحریم کند، به تجزیه و تحلیل بانک ها می پردازد تا بانکی پدید آید که هم قدرت جذب سرمایه های مردم را داشته باشد و هم رباخواری در آن نباشد.<sup>۶</sup>

□ از دیدگاه استاد مطهری دعوت‌های پیامبران، علاوه بر گسترش جغرافیایی در زمان خودشان و رسوخ در اعماق وجود انسان‌ها، در طول زمان نیز امتداد می‌یابند و با گذشت زمان نه تنها کم‌رنگ‌تر نمی‌شوند، بلکه عمق سخن آن‌ها بیش‌تر آشکار می‌شود و لذا تغییرات زمانه آن‌ها را منسوخ نمی‌سازد.

صحیح آن بدانیم، باید گفت در نیمه دوم این دهه، مسأله «اسلام و مقتضیات زمان» که بیش‌تر معطوف به حل مسأله تجدد (نحوه اخذ آن، نقد تجدد، و تفکیک جوانب مثبت و منفی آن) است، برای استاد مطهری بسیار اهمیت می‌یابد که احتمالاً چندان بی‌ارتباط با ایجاد حسینیۀ ارشاد نیست.

استاد در سال ۱۳۴۵ سلسله سخنرانی‌هایی تحت عنوان «دین منسوخ شدنی نیست» در مسجد دانشگاه تهران و یک سخنرانی تحت عنوان «خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند» در دانشکده نفت آبادان ایراد می‌کند که این سخنرانی دوم همراه با سخنرانی «امدادهای غیبی در زندگی بشر» که در آبان ۱۳۴۶ در دانشگاه پهلوی شیراز ایراد شد، از سوی دانشجویان دانشگاه اخیر منتشر و بعدها چندین بار تجدید چاپ می‌شود. مسأله مورد بحث وی این است که این ادعا که دنیا، دار تغییر است و هیچ چیز ثابتی در آن باقی نمی‌ماند، صحیح نیست و اگر چیزی با فطرت بشری هماهنگ باشد، تا وقتی انسانی هست، آن چیز هم هست. دین هم به همین دلیل، نابود شدنی نیست. به عبارت دیگر می‌توان گفت، تجدد نمی‌تواند دین را از صحنه روزگار محو کند. شاید بتوان این مباحث را حلقه ربط بین بحث احیای فکر دینی و بحث اسلام و مقتضیات زمان دانست؛ چرا که در این سخنرانی‌ها در عین حال تأکید شده است که دین هرگز نمی‌میرد و این فکر ماست که مرده است.

در سال ۱۳۴۷ جلد اول کتاب محمد خاتم پیامبران، زیر نظر استاد مطهری و توسط حسینیۀ ارشاد منتشر می‌شود. استاد، هم در مقدمه آن که تحت عنوان دعوت‌های سه بعدی نوشت<sup>۱۳</sup> و هم در مقاله مستقلی که تحت عنوان ختم نبوت در آن درج کرد،<sup>۱۴</sup> عملاً بحث سابق را ادامه داد. در اولی مطرح کرد که دعوت‌های پیامبران، علاوه بر گسترش جغرافیایی در زمان خودشان و رسوخ در اعماق وجود انسان‌ها، در طول زمان نیز امتداد می‌یابند و با گذشت زمان نه تنها کم‌رنگ‌تر نمی‌شوند، بلکه عمق سخن آن‌ها بیش‌تر آشکار می‌شود لذا تغییرات زمانه آن‌ها را منسوخ نمی‌سازد. در مقاله ختم نبوت هم با نقد نظر اقبال لاهوری در باب خاتمیت، که از نظر مطهری به ختم دیانت منجر می‌شد، به تبیین معنای خاتمیت پرداخت و به خوبی توضیح داد که خاتمیت به معنی نفی نیاز به تشریع جدید است نه نفی شریعت. یعنی نفی نیاز به پیامبران تبلیغی است نه نفی تبلیغ دین. این مباحث را در ده جلسه سخنرانی در حسینیۀ ارشاد تحت عنوان خاتمیت بسط بیش‌تری داد.<sup>۱۵</sup> در همین سال، چهار جلسه سخنرانی تحت عنوان جاذبه و دافعه علی (ع) در حسینیۀ ارشاد ایراد می‌کند (که در سال ۱۳۴۹ توسط حسینیۀ ارشاد منتشر می‌شود). و مخصوصاً بحث مفصلی درباره خوارج، جمود فکری آن‌ها و خطر چنین خشکه مقدسی‌هایی را برای دین مطرح می‌سازد که اگر بخواهیم در راستای بحث خود طبقه‌بندی‌اش کنیم، می‌خواهد بگوید که مطرح کردن هر چیز نویی که در دین یافت نمی‌شود، به صرف عدم مطرح شدن آن در دین بدعت نیست.

به هر حال ایشان از سویی در مباحث مربوط به «نظام حقوق زن در اسلام» به «اسلام و تجدد زندگی» می‌رسد و از سویی دیگر در مسجد اتفاق تهران بیش از ۲۵ جلسه بحث در باب اسلام و مقتضیات زمان مطرح می‌کند.<sup>۱۶</sup> ایشان در این مباحث، رسالت روشنفکر مسلمان را در شناخت اسلام، شناخت تجدد و جمع بین این دو می‌بینند و پس از برشمردن دلایلی که بر ناسازگاری اسلام با زمانه ارائه شده است، (اسلام ثابت است و زمانه متغیر، یا لااقل احتیاجات تغییر می‌کند و اسلام مطابق احتیاجات زمان

□ استاد مطهری قصد داشت، این حسینیه (حسینیه ارشاد) را به یکی از بزرگ‌ترین مراکز علمی تبدیل کند که هم حوزه و هم دانشگاه را دچار حیرت کند؛ اما در اثر نحوه تسلط یکی از مسئولان حسینیه مجبور به استعفا می‌شود.



۱. مرتضی مطهری. اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب. تهران: کانون انتشارات محمدی. چاپ اول. ۱۳۴۸. متأسفانه در چاپ‌های جدید این کتاب که توسط انتشارات صدرا و زیر نظر شورای نظارت بر نشر آثار استاد مطهری چاپ شده است، اظهار شده است که «این مقالات در حدود سال ۱۳۵۳ در مکتب اسلام درج شد و بعداً توسط ناشری، بی اطلاع استاد منتشر شد.» که با توجه به وجود کتاب یاد شده استاد تاریخی شورای نظارت غلط است.
۲. مرتضی مطهری. نظام حقوق زن در اسلام. تهران. صدرا. چاپ هفدهم. ۱۳۷۲. ص ۲۸.
۳. این سخنرانی‌ها که در ماه محرم سال ۱۳۵۰ شمسی ایراد شد، پس از شهادت ایشان در جلد اول حماسه حسینی منتشر شد. مطالب فوق در این کتاب در صفحات ۳۲۵-۳۱۹ آمده است.
۴. مرتضی مطهری. نظام حقوق زن در اسلام. ص ۱۸.
۵. لازم به ذکر است که از استاد مطهری غیر از این چهار اثر منتشر شده (اخلاق جنسی در اسلام و غرب، نظام حقوق زن در اسلام، مسأله حجاب، و پاسخ‌های استاد به نقدهایی بر کتاب مسأله حجاب) و دست‌نوشته‌های فراوانی که اشاره کردیم، نزدیک به صد نوار سخنرانی درباره مسایل مختلف خانوادگی و زنان بر جای مانده است که متأسفانه تاکنون اقدامی برای پیاده کردن و چاپ آن‌ها صورت نگرفته است. عنوان سخنرانی‌های مذکور، به تفصیل در انتهای جلد اول یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری (زیر نظر عبدالکریم سروش) صفحات ۵۵۲-۵۴۲ که لیست تمامی نوارهای درسی و سخنرانی‌های باقی مانده از استاد مطهری را آورده، آمده است.
۶. برای آشنایی با نظرات ایشان در این زمینه، ر. ک: مرتضی مطهری. ربا- بانک، بیمه. تهران. صدرا. چاپ اول. ۱۳۶۴. (عنوان این کتاب در چاپ‌های بعدی به صورت مسأله ربا- به ضمیمه بیمه، درآمد.)
۷. کتاب لمعانی از شیخ شهید (ص ۷) این اقدام را در سال ۱۳۴۶ دانسته است، با توجه به نامه‌ای که از خود استاد مطهری باقی است، سال ۱۳۴۵ صحیح است. برای دستیابی به متن نامه مذکور، ر. ک: سیری در زندگانی استاد مطهری. تهران. صدرا. چاپ اول. ۱۳۷۰. ص ۱۱۴.
۸. سیری در زندگانی استاد مطهری. ص ۱۱۵.
۹. استاد مطهری در یادداشتی که درباره علل استعفایش در سال ۱۳۴۷ نوشته است، مدعی است که اگر اختیارات کامل در کار تبلیغات و تحقیقات را به

ایشان بدهند، این مقصود را در ظرف دو سال به تحقق می‌رساند. همان. ص ۱۰۷. نیز ص ۱۰۴.

۱۰. در نامه‌ای که در منبع یاد شده آمده است، نام این شخص حذف شده است، اما با توجه به مدارکی که آقای سید حسین شفیعی دارایی در یادواره استاد شهید مرتضی مطهری ارائه کرده‌اند، شاید این شخص، آقای میناجی یا آقای علی بابایی باشد. این دو نفر، هم در همان ایام و هم در سال‌های اولیه انقلاب سعی فراوانی می‌کنند که علت استعفای وی را عدم توافق و سازگاری بین وی و دکتر شریعتی جلوه دهند؛ اما چنان که هم از نامه‌های سال ۱۳۵۰ مطهری برمی‌آید، که نوشته است: «خلاصه نظر من درباره وی [=شریعتی] از خودش به نیکی یاد کردن و اشتباهانش را تذکر دادن.» (سیری در زندگانی استاد مطهری. ص ۱۲۷) و هم از سخنان دکتر شریعتی برمی‌آید که هنگامی که این شایعه را شنید که مطهری را به خاطر عدم سازگاری با وی کنار می‌زنند، بشدت برآشفته و گفت: «این احمقانه‌ترین کار است. این‌ها نمی‌فهمند که نه حضور مطهری عرصه را بر من تنگ می‌کند و نه حضور من مانع کار اوست.» (به نقل از پرویز خرسند، ویژه‌نامه روزنامه صبح امروز ۷۸/۳/۲۹. ص ۲) خلاف آن ادعا اثبات می‌شود. به خصوص این که باید توجه کنیم که اساساً مقدمه ورود شریعتی به حسینیه ارشاد تقاضای مطهری از وی بود که مقاله «از هجرت تا وفات» را برای کتاب محمد خاتم پیامبران بنویسد. (همان. ص ۲) اختلافات این‌ها در حد اختلاف دو متفکر بوده است و استاد مطهری از چنین اختلاف نظرهایی حتی استقبال می‌کرده است. (مثلاً نگاه کنید به مطلبی که در پاورقی ۴۱ فصل هفتم آورده‌ایم). به نظر می‌رسد که علت چنان تبلیغاتی در خصوص دعوی مطهری و شریعتی این بوده است که از طرفی در افکار عمومی در مورد علت کنار گذاشتن مطهری از خود سلب مسئولیت کنند و از طرف دیگر با توجه به مقبولیتی که شریعتی در میان جوانان داشت به ترور شخصیت مطهری دست بزنند.

۱۱. به نقل از نامه استاد مطهری در سیری در زندگانی استاد مطهری. ص ۱۱.

۱۲. ۲۶ جلسه از این سخنرانی‌ها که نوارش موجود بوده است، بعد از شهادت استاد مطهری در کتابی به همین نام منتشر می‌شود. (جلد اول).

۱۳. این مقدمه، همراه با مقدمه جلد دوم کتاب محمد خاتم پیامبران تحت عنوان «مرج اسلامی» (که سال بعدش منتشر شد) بعد از شهادت ایشان در ضمن کتاب سیری در سیره نبوی انتشار یافت. ر. ک: مرتضی مطهری. سیری در سیره نبوی. تهران. صدرا. چاپ دهم. ۱۳۷۱.

۱۴. این مقاله بعداً در سال ۱۳۵۴ مستقلاً با همین عنوان منتشر شد.

۱۵. این سخنرانی‌ها بعد از شهادت استاد با همین عنوان خاتمیت منتشر شد.